

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بیشتر بدانیم برای بهتر زیستن

شناخت عمومی کم توانان ذهنی

مقدمه

عقب ماندگی ذهنی یا به اصطلاح دیگر نارسائی رشد قوای ذهنی موضوع تازه و جدیدی نیست بلکه در هر دوره و زمان افرادی در اجتماع وجود داشته اند که از نظر فعالیت های ذهنی در حد طبیعی نبوده اند به خصوص از روزی که بشر زندگی اجتماعی را شروع کرده موضوع کسانی که به عللی قادر نبودند خود را با اجتماع هماهنگ سازند مطرح بوده است. باید توجه داشت که در عصر حاضر نوع نگرش در مورد کودک عقب مانده ذهنی در جوامع مختلف متفاوت است تاریخچه عقب ماندگی ذهنی در ایران اولین بار در دین زرتشت به چشم می خورد و دین زرتشت در ردیف اولین ادیانی است که کمک ملاحظت و همراهی با عقب ماندگان ذهنی را عنوان می کند و دین اسلام با فرامین آسمانیش در این زمینه مکمل تمام توصیه هائی که در سایر ادیان گذشته در این مورد اشاره نموده اند.

تعریف کم توانان ذهنی

▶ عقب مانده ذهنی به کسی اطلاق می گردد که بر اثر اختلال یا کم کاری در ذهن، در انجام امور جاری، رفع مشکلات و پذیرش رفتاری سازگارانه با محیط در حدی پایین تر از افراد مشابه یا همسن خودتوانائی داشته باشند

طبقه بندی کم توانان ذهنی

- ▶ به طور کلی کسانی که در برخورد با مسائل و تطابق با محیط کندتر از سایرین باشند و در برآورد آزمون هوشی، هوش بهر کمتر از ۷۰ را واجد شوند کم توان ذهنی محسوب می گردند لذا به منظور تسهیل در شناخت و همچنین با توجه به حد توانائی آنان، به منظور ارائه خدمات آموزشی و توانبخشی کم توانان ذهنی را به سه گروه تقسیم می کنند.
- ▶ ۱- کم توانان ذهنی عمیق (پناهگاهی)

طبقه بندی کم توان ذهنی

- ▶ ۲- کم توان ذهنی تربیت پذیر
- ▶ ۳- کم توان ذهنی آموزش پذیر

کم توان ذهنی عمیق

- ▶ کم توان ذهنی عمیق که بیشتر به علل ارثی و مادرزادی مبتلا به ناهنجاریهای متعدد شده اند در این گروه قرار دارند هوش بهر این افراد از ۲۵ تجاوز نمی کند اغلب این افراد علاوه بر نارسائی عقلی، نارسائی جسمی حرکتی و نقایص عضوی نیز دارند.
- ▶ کوتاهی یا بلندی پیشانی، کوچکی یا بزرگی جمجمه نیز از علائم آنان است در اکثر موارد آب دهانشان از گوشه لب ها جاری است بسیاری از آنها مشکل جویدن حتی بلعیدن دارند تغذیه از طریق غذاهای پوره شده و حتی مایعات حاوی مواد غذائی صورت می گیرد. کنترل ادرار و مدفوع به ندرت بوجود

▶ می آید . در بیشتر موارد حملات صرع و یا فلج نیمی از بدن را در اینگونه کودکان مشاهده می کنیم از لحاظ ذهنی در سطح بسیار پائین می ماند قدرت تخیل ندارند حافظه در آنها دیده نمی شود از تکلم بعنوان وسیله ارتباطی نمی توانند استفاده کنند.

▶ از لحاظ عاطفی :قیافه آنها فاقد علامت و نشانه های عاطفی و هیجانی گویا است از لحاظ فعالیت بدنی نیز محدودیت دارند یک دسته از آنها که هوش فعالیت ذهنی ندارند و از این لحاظ می توان زندگی آنها را نوعی زندگی گیاهی تلقی کرد دسته دیگر که فعال تر هستند و قدرت یادگیری بیشتری نسبت به گروه قبلی دارند می توانند نام خود را فرا گیرند و یا تکلم را در حد ابتدائی بیاموزند برای اینگونه کودکان صدا ،رنگ ،نور و همچنین بازی های ساده تا حدی جاذب است و می تواند موجبات سرگرمی آنان را فراهم کند بد نیست گاهی در حد توانائی خودشان به فعالیت های بازی گونه و یا در صورت امکان چرخیدن در باغ یا هوای آزاد بپردازند.

گروه کم توانان ذهنی تربیت پذیر

▶ این گروه ۱۰ تا ۲۰ درصد کل کم توانان ذهنی را شامل می شوند توانایی ذهنی آنها از یک کودک ۶ تا ۷ ساله عادی تجاوز نمی کند هدف از آموزش و تربیت آنان بیشتر آن است که طفل بتواند مراقب خود باشد و احتیاجات اولیه خود مانند غذا خوردن، لباس پوشیدن، توالیت رفتن و شستشو را رفع کند قادر به آموختن مواد درسی مانند خواندن و نوشتن نیستند. دارای قدرت تصمیم و تمیز بسیار پایین هستند در دقت و تمرکز و حواس ثبات زیادی ندارند و زود خسته می شوند و به همین لحاظ زمان فعالیت آنها بایستی کوتاه و متعاقب هر دوره استراحتی در برنامه آنها پیش بینی شده باشد قضاوت و استدلال آنها بهتر از گروه قبلی (پناهگاهی) است

گروه کم توانان ذهنی آموزش پذیر

▶ افراد این گروه ۷۰ تا ۸۰ درصد معلولین ذهنی را تشکیل می دهند این افراد از لحاظ دانستن لغات ضعیف اند . مفاهیم را خوب درک نمی کنند . آموزش کلاس عادی ندارند از لحاظ عاطفی واکنش های لازم را به دست نمی آورند تمرکز و دقت در آنها محدود است . غالباً می توانند تحصیلات ابتدائی را تا کلاس ۴-۵ البته با کندی و تاخیر فرا گیرند . آنچه را که باید همیشه در نظر داشت آسانی برنامه ها و زمان تکرار برای یادگیری در آنهاست البته لازم به توضیح است که عقب مانده های ذهنی در همه زمینه های یادگیری ناتوانی و نارسائی ندارند . در گروه آموزش پذیر افرادی پیدا می شوند که از لحاظ خلقی و عاطفی نسبت به گروه تربیت پذیر تعادل بیشتری از خود نشان می دهند . ولی باز هم بی اعتدالی دارند . گاهی بی قراری از خود نشان می دهند و دچار هیجانات شدید و ناگهانی می شوند به علت نداشتن تفکر انتقادی ، تلقین پذیر هستند و خیلی زود تحت تاثیر قرار می گیرند . اگر در شرایط مناسبی باشند می توانند تا حدی استقلال اقتصادی و شخصی بدست آورند و اگر در شرایط محیطی نامناسب باشند خیلی زود چار انحراف شده و به انواع مواد مخدر و فحشا و کج رویهای دیگر جنسی آلوده می شوند

حرفه آموزی کم توانان ذهنی

▶ داشتن شغل در زندگی هر فردی یک عامل بسیار با اهمیت به شمار می آید. عاملی که احساس اعتماد به نفس، ارزشمند بودن و شان اجتماعی را برای خود ایجاد می کند حال آنکه اشتغال بخصوص در زندگی معلولین ذهنی آموزش پذیر نقش بیشتری ایفا می کند. اشتغال وی را قادر می سازد که احساس قابلیت نموده و قدرت مقابله اش را با جهان افزایش دهد. عدم اشتغال معلولین ذهنی اثرات نامطلوبی نه تنها برای خود وی، بلکه برای خانواده و اجتماع نیز به دنبال خواهد داشت.

حرفه آموزی کم توانان ذهنی

▶ در مورد گروه آموزش پذیراعم از آن که ۸سال دوره آموزشی را در مدارس استثنائی گذرانده اند وچه آنان که تحت نگهداری وآموزش و توانبخشی در مراکز بهزیستی بوده اند حتی آنان که بدون آموزش از خانواده به سر برده اند برنامه ریزی آموزش حرفه ای اقدامی اساسی در جهت وارد نمودن این گروه از مددجویان به بازار کار و عموماً جامعه می باشد . در ارتباط با کم توانان ذهنی پیشنهاد می گردد که این افراد در کارگاه های حمایتی ،تولیدی که تحت نظارت و سرپرستی و حمایت دولت می باشند به امر تولید و اشتغال مشغول شوند ودر این کارگاه باید یک محیط درمانی ایجاد نمود که به مددجو اجازه دهد تا احساس اعتماد به نفس وی رشد نماید.

کم توان ذهنی و واکنش های شایع والدین ▶

مقدمه

▶ در جامعه ای که در آن موفقیت های و پیشرفت های هوشی و ذهنی از ارزش والایی برخوردار است تولد یک کودک عادی و طبیعی اغلب بعنوان شرط اولیه در عملکرد صحیح والدین تلقی می شود اما تولد یک کودک معلول خانواده را در یک معمای فرهنگی و یک بحران اخلاقی و روحی قرار می دهد. بنابر این نوع عکس العملی که والدین در مقابل کم توانی ذهنی فرزندشان از خود بروز می دهند در ایجاد جوی مساعد هم برای خود کودک و هم سایر افراد خانواده نقش بسیار حساسی را ایفا می نماید. واکنش همه والدین در مقابل معلولیت ذهنی فرزندشان یکسان نیست نوع و میزان این عکس العمل ها با توجه به جنبه های شخصیتی، اعتقادی و..... با یکدیگر متفاوت می باشند

واکنش های شایع والدین

▶ واکنش های اولیه که می توانند در مراحل بعدی تشدید گردند و یا با هدایت راهنمایی و برخورد صحیح خاموش شوند مواردی چون احساس گناه، اضطراب، ناامیدی، خشم، انکار، افسردگی، ترس و... از جمله واکنش هایی هستند که معمولا بعد از کشف مسئله به سرعت در والدین رخ می دهند .

احساس گناه و تقصیر

▶ در این حال والدین کم توان ذهنی کودک را حمل بر بی توجهی در مسائل بهداشتی مادر و کودک در دوران بارداری دانسته و یا احیاناً اگر جهت سقط جنین اقدام کرده و موفق نشده باشند تصور می کنند که با این کار خود موجب معلولیت طفل شده اند و خود را سزاوار تنبیه و عقوبت می دانند و فکر می کنند خداوند به این نحو خواسته آنها را مجازات کند

احساس ناکامی و محرومیت

▶ نحوه برخورد مردم با خانواده دارای کودک کم توان ذهنی، مخارج سنگین نگهداری، در مان ناپذیری کودک کم توان ذهنی و حتی نبودن ویا ناقص بودن وسایل درمانی یا نگهداری و مراقبت از این کودکان باعث ایجاد ناکامی در خانواده می شود و زمانی این احساس اوج گرفته و شدت می یابد که خانواده احساس کند وجود کودک معلول تعادل روانی و اقتصادی شان را به خطر انداخته و اثرات سوء بر رشد، خشنودی، تحصیلی و سایر کودکان دارد

انکار واقعیت یا کتمان حقیقت

► معمولا آگاهی از کم توانی ذهنی کودک زمانی آغاز می شود که تاخیری در گفتار یا راه رفتن کودک رخ دهد والدین با مقایسه کودک با سایر کودکان حتی کوچکتر به تفاوت او پی می برند و برای توجیه اظهار می کنند که بارشده کودک این ناراحتی بر طرف خواهد شد. این وضع کودک ادامه پیدا می کند و در محیط مدرسه کم توانی کودک آشکارتر می شود اما والدین به این عنوان که فرزندشان خجالتی یا ترسو است از قبول واقعیت طفره می روند بعضی از والدین آن قدر در انکار واقعیت پافشاری می کنند و از اجری دستور های داروئی و درمان های بهداشتی روانی خودداری کرده که باعث تشدید عوارض معلولیت کودکشان می شوند

اضطراب و نگرانی

▶ از واکنش های نسبتا شایع والدین کودکان کم توان تشویش و نگرانی است که در پی آگاهی از معلولیت کودک در والدین شروع شده و پس از مایوس شدن از بهبود کودک تشدید می شود و زمانی که در می یابند کودکانشان باید در مدارس ویژه تحصیل کند این احساس به اوج خود می رسد ممکن است والدین به علت نگرانی شدید کودک را وسیله تخلیه عاطفی خود قرار دهند و حتی موجب نفرت و یا اختلافات خانوادگی و... شود مسلما در چنین شرایطی اغلب بنا به توصیه سایر اعضای فامیل ، کودک را به یکی از مراکز نگهداری کودکان معلول می سپارند و غالبا والدین اگر کودک دیگری نداشته باشند از یکدیگر جدا می شوند

برون فکنی یا فرافکنی

▶ در این حالت والدین کودک ، کم توان ذهنی کودکان را به سهل انگاری و خطای دیگران نسبت می دهند و خود را عاری از هر گونه عیب و ایرادی می دانند

سازگاری و پذیرش

▶ اینگونه والدین تدریجا به مرحله قبول کامل کودک خود می رسند و سعی نمی کنند تصویری خیالی و بر خلاف واقعیت موجود از کودک خود بسازند بلکه با مشکلات طفل با رفتاری واقع گرایانه روبرومی شوند و از آن جا که همیشه بین کودک و اعضای خانواده رابطه دو جانبه و آشکاری وجود دارد هر چه این رابطه صمیمانه تر باشد احتمال با ثبات بودن، قابل کنترل بودن و آرام تر بودن کودک بیشتر است .

مسائل رفتاری افراد کم توان ذهنی

▶ اینکه رفتاری را بهنجار یا نابهنجار بدانیم بستگی به معیارهای و هنجارهای دارد که در یک جامعه یا در گروه خاصی از یک جامعه و یا در یک خانواده رایج است. هر گاه در هر جامعه ای گروه های اجتماعی، شغلی و خانوادگی الزاماتی را بر فرد تحمیل کنند که وی قادر به انجام آنها نباشد نابهنجار، ناسازگار یا عقب مانده نامیده می شود

رفتارهای شایع در افراد کم توان ذهنی

- ▶ بی قراری :
- ▶ از مواردی که در بعضی از کودکان معلول ذهنی به چشم می خورد موارد بی قراری و عدم تمرکز است در این وضعیت کودک مدام اقدام به فعالیت های گوناگون نموده و چون اعمال وی فاقد هدف بوده و در عین حال با کم شعوری همراه است موجب ویرانی و تخریب هر چه که در دسترس وی باشد می گردد.
- ▶ علت نا آرامی معلول ذهنی ناشی از دو عامل است
- ▶ ۱- علت کنشی ۲- علت ارگانیکی

علت کنشی

▶ در طی مراحل رشد یک کودک سه جنبه بدنی، ذهنی، و عاطفی وی همگام با هم رشد و تکوین می یابند. ولی در کودک معلول ذهنی این توازن بهم می ریزد. رشد ذهنی و عاطفی همگام با رشد بدنی پیشرفت نیافته در این حال کودک دچار نا آرامی می گردد. وبدون هدف به دنبال یک سری فعالیت های در جهت کاهش یا تخلیه هیجانات اندرونی خود است.

▶ درمان: در کودک معلول بجز جنبه بدنی آن دو جنبه دچار نقصان و نیازمند کمک می باشند. لذا از طریق ایجاد امکانات برای بروز هیجانات وانگیزه باید تا حد امکان این سه جنبه را در خدمت هم در آورد. محبت یکی از مهمترین نیازهای اولیه بشمار می رود لذا با ایجاد شرایطی بسیار ساده باید هیجانات کودک را به بای گرفته در جهت تقویت آن کوشید. باید جدا از اعمال فشار یا کم محبتی اجتناب ورزیده

▶ علت ارگانیکی :

▶ در بعضی موارد نا آرامی کودک ناشی از فعل وانفعالات غیر عادی مغز است ودر این صورت باید مورد معاینه روانپزشک قرار گیرد.

▶ ۲- فحاشی و بد زبانی

▶ ۱- فرار

▶ ۳- مشکلات جنسی

▶ ۴- بزهکاری

تهیه کننده:

**اعظم اسماعیلی فر کارشناس ارشد روانشناسی و کارشناس
توانبخشی حوزه معاونت توانبخشی کرمان - خرداد ۱۴۰۰**



موفق باشید

photo-aks.com